

پرونده های مشابه

❏ اخاذی خانوادگی

پلیس تهران سال گذشته نیز باند دیگری را دستگیر کرد که به همین شیوه از رانندگان پولدار اخاذی می کرد. اعضای این باند، عضو یک خانواده بودند و ماموران با طرح شکایت های مشابه از آنها، تحقیقات برای دستگیری شان را آغاز کردند. سرانجام چهار عضو این باند شناسایی و در عملیاتی دستگیر شدند.

متهم اصلی پرونده که مردی ۴۵ ساله است، در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: مدت یک سال است به شیوه تصادف ساختگی از رانندگان خودروهای عبوری در مناطق سعادت آباد، پونک، جنت آباد، تهرانسر، اتوبان آزادگان و... زورگیری و اخاذی می کنیم.

اغلب سوژه های خود را از میان خودروهای لوکس و گران قیمت و با رانندگان جوان و کم تجربه انتخاب و با تمارض طوری رفتار می کردیم که افراد متوجه ساختگی بودن تصادف نشوند. با تشکیل گروه های دو و سه نفری در خیابان ها با کوبیدن عمدی دست خود به آینه بغل خودرو و با داد و فریادهای دروغین وانمود می کردیم مصدوم شده ایم.

اگر خودروی مد نظر متوقف می شد، نقشه اخاذی را اجرا می کردیم و در صورتی که سوژه فرار می کرد، با خودروهایی که داشتیم دنبال او می رفتیم و راننده را در محلی مناسب گیر می انداختیم و از او به زور پول می گرفتیم.

❏ شگردی متفاوت

کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران هم باندی را منهدم کردند که با خودروهای تصادفی تصادف می کردند. اعضای این باند با خودروهای تصادفی در مسیر رانندگان دیگر قرار گرفته و باعث تصادف آنها با خود می شدند. متهمان طوری برنامه ریزی می کردند که راننده دیگر مقصر شود.

در همین هنگام دیگر اعضای باند در پوشش رانندگان عبوری در محل حضور پیدا می کردند و راننده مقصر را قانع می کردند که با پرداخت خسارت به ما چرا پایان دهد و خود را درگیر بیمه و روند اداری آن نکنند. اگر

راننده راضی به پرداخت پول نمی شد، متهم اصلی خالکوبی روی دستش که نوشته بود «من از مردن نمی ترسم» را نشان می داد و با تهدید اخاذی می کرد.

با دستگیری متهمان ۳۲ نفر که قربانی اخاذی اعضای این باند شده بودند شکایت خود را مطرح کردند.

توصیه های طلایی برای رانندگان

هشدارهای پلیس پیشگیری یعنی اتمام حجت. اگر با گوش جانت بشنوی، نه مالت را به یغما می برند و نه می توانند به جانت گزند برسند.



با این که سرهنگ موقوفه ای توصیه هایی برای درمان ماندن از شگردها و ترفندهای سارقان کرده بود، با دستگیری این باند، هشدارهای کامل تری به رانندگان می دهد و می گوید: «در قدم اول، رانندگان شیشه ها را بالا داده، درها را قفل کرده و از خودرو پیاده نشوند، حتما کسی که پشت فرمان و راننده است، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرد و اعلام موقعیت کند و به تماس های سایر افراد حاضر در صحنه اعتماد نکنند. مشخصات ظاهری افراد را به خاطر بسپارند که اگر قبل از رسیدن پلیس محل را ترک کردند، ماموران سرنخی برای دستگیر کردن آنان داشته باشد که بسیار کمک کننده است. پس از حضور پلیس حتما از او کارت شناسایی بخواهند تا هویت او محرز شود، زیرا ملبس بودن به لباس فرم پلیس یا داشتن بیسیم، دلیل قانع کننده ای برای پلیس بودن فرد نیست. در مواردی ممکن است پلیس از ارائه کارت شناسایی خودداری کند یا احتمال دارد کارت شناسایی همراهش نباشد. در چنین مواردی شهروندان می توانند با سامانه فوریت های بازرسی ۱۹۷ تماس بگیرند و اعلام کنند ماموری مراجعه کرده و از ارائه کارت شناسایی یا حکم ماموریت خودداری می کند. در این شرایط، اکیب های سیار سامانه بازرسی پلیس تهران به محل مراجعه کرده و موضوع را بررسی می کنند که آیا فرد مورد نظر پلیس است یا در این پوشش، قصد ارتکاب اعمال مجرمانه دارد.»



یک سوال درباره فروش لباس نظامی

راسته حسن آباد پر است از فروشندگان لوازم و البسه نظامی. از درجه های رنگارنگ نظامی بگیرد تا لباس ها و کلاه ها و پوتین های مدل به مدل. فروشندگان قدیمی که حتی سابقه ۷۰-۶۰ ساله هم دارند. گمرک هم دست کمی از حسن آباد ندارد.

شاید برای خیلی ها جای سوال باشد که چرا پلیس مانع فعالیت فروشندگان لوازم نظامی نمی شود تا فکر سوء استفاده از آن به ذهن کسی خطور نکند. پاسخ این سوال را جانشین پلیس پیشگیری پایتخت می دهد: «در خصوص فروش این لباس ها و سوء استفاده هایی که گاهی رخ می دهد، با معضل اساسی مواجه نیستیم و این طور نیست که اپیدمی شده باشد، اما به هرحال کسانی هستند که با تهیه این لباس ها دست به اخاذی می زنند. این موضوع تنها به تهران اختصاص ندارد و در حوزه کلان مطرح است. قصد نداریم توپ را به زمین سازمان یا نهاد خاصی بیندازیم، اما در خصوص کنترل این موضوع، ما تصمیم گیرنده نیستیم. باید جرم انگاری شده و گفته شود که البسه و لوازم نظامی باید با در نظر گرفتن چارچوب خاصی به افراد واجد شرایط ارائه شود تا مورد سوء استفاده مجرمان قرار نگیرد.»



روز از نو، جرم از نو

فیلم لگد زدن مرد جوان به خودروی فردی را مشاهده کرده ام و متأسفانه حامل پیام خوبی نیست. اولین سوالی که مطرح می شود این است که چه شرایطی موجب شده تا برخی افراد و مجرمان دست به ابداع جرم های جدید در جامعه بزنند و امنیت جامعه را به

دکتر افسر
افشارنادری
جامعه شناس و
استاد دانشگاه

خطر بیندازند؟ اصطلاحی وجود دارد که می گوید هزینه ارتکاب جرم، کمتر از انتخاب شغل است. وقتی هزینه ارتکاب جرم را کاهش داده ایم، خواه ناخواه این معضل در جامعه افزایش پیدا می کند، چون شرایط نابسامان اقتصادی به مردم این اجازه را نمی دهد شغل پیدا کنند. اگر هم شغلی پیدا کنند، فایده و سودی که به دست می آورند، آن قدر چشمگیر نیست که با آن امورات خود را بگذرانند. با این اوضاع تصور می کنید چه راهی برای گذران زندگی خود و خانواده شان دارند؟ پلیس می تواند برخوردهای بیشتری با باندها و مجرمانی داشته باشد که آزادانه فعالیت می کنند. وقتی برخی مردم خلافکار شده اند، نمی شود همه آنها را به زندان برد و هزینه مازاد اقتصادی به دولت تحمیل کرد. پس وقتی شرایط نابسامان است و جایی نیز برای نگهداری از مجرمان در زندان وجود ندارد، نتیجه اش، پخش شدن آنان در میان مردم و به خطر افتادن امنیت جامعه است.

مساله دیگر در این فیلم، بی تفاوتی مردم به لگدهای مرد جوان است که بی علت نیست. مردم دیگر نمی خواهند یک دردرس به درسره های دیگرشان اضافه شود و بنابراین ترجیح می دهند با این مجرمان که اغلب مسلح و خلافکار هستند، درگیر نشوند.

مردم دوست ندارند

یک دردرس به

درسهای خود اضافه

کنند و به همین خاطر

با دیدن صحنه هایی

مثل لگد زدن مردی به

خودرویی بی تفاوت از

کنار آن عبور می کنند

